



درس خارج اصول استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۲ آذر ۱۳۸۹

مصادف: ۱۶ ذی الحجه ۱۴۳۱

جلسه: ۳۴

موضوع کلی: ملاک حکم شرعی

موضوع جزئی: مقدمه ۱- مقاصد شریعت

سال: دوم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

ملاک حکم شرعی:

بحث جدیدی که امروز شروع میکنیم بحث ملاک حکم شرعی است یکی از مباحث مهم حکم شرعی همین بحث است، اینکه آیا اساسا احکام شرعی تابع ملاک هستند یا نه؟ و اگر تابع ملاک هستند ملاک حکم شرعی چیست؟ این بحث با اینکه در مواضع مختلف علم اصول به مناسبتهای مختلف مطرح میشود اما به صورت منقح بیان نشده؛ ما قبل از اینکه وارد اصل بحث ملاک حکم شرعی شویم، مقدمتا لازم است درباره چند واژه و مفهوم توضیحاتی عرض کنیم تا واضح شود که مقصود از ملاک شرعی چیست؟

مقدمه:

مفاهیمی مثل مقاصد الشریعة، علل الشرایع، علت حکم، حکمت حکم، مناط حکم، موضوع حکم اینکه میگوییم موضوع حکم برای اینکه گاهی اطلاق موضوع حکم میشود ولی علت حکم اراده میشود چون میگویند موضوع نسبت به حکم جنبه علیت دارد همچنین اسرار حکم و مقتضی حکم؛ الفاظی هستند که ضمن اینکه بعضا به جای هم استعمال میشوند اما در حوزههایی با هم تداخل دارند و لذا است باید مرز اینها معلوم شود مثلا در گذشته بحث علل الشرایع مطرح بوده و کتابهای زیادی هم به همین عنوان نوشته شده یا اسرار الحکم که توجه به فلسفه احکام و حکمتهای احکام میشود و روایاتی هم از ائمه (ع) در این زمینه وارد شده مثلا روایت مفصلی است از فضل ابن شاذان که حضرت به بعضی از علتهای احکام اشاره میکنند. همچنین در گذشته تمایزی بین علت حکم و حکمت حکم در کتب دیده نمیشود اما در بین متأخرین سعی شده که مسئله علت حکم از حکمت حکم جدا شود که این را در ادامه توضیح خواهیم داد. پس ابتدا لازم است این الفاظ را توضیح دهیم برای این که معلوم شود مراد ما از ملاک حکم چیست و در چه زمینهای میخواهیم بحث کنیم و وقتی که میخواهیم ملاک حکم را تعیین کنیم با دیگر الفاظ مثل علل الشرایع یا مقاصد الشریعة خلط نشود یا حتی ممکن است پس از بحث این نتیجه حاصل شود که همه اینها مترادف هستند.

۱- مقاصد شریعت

یکی از الفاظ مهم مقاصد شریعت است. این سوال مطرح است که آیا منظور همان ملاک حکم است یا چیز دیگری مراد است؟ منظور از مقاصد شریعت اهدافی است که خداوند متعال از جعل احکام و مقررات شرعی در نظر گرفته است به عبارت کوتاها تر اهداف قوانین و مقررات شرعی.

این بحث باید به طور مستقل و از جهات مختلف مورد بررسی قرار بگیرد خصوصا در بین اهل سنت که بیشتر به این جهت توجه دارند، اینکه آیا اساسا مقاصد شریعت اعتبار دارد یا ندارد؟ طرق کشف مقاصد شریعت چگونه است؟ تعداد و اقسام مقاصد شریعت کدام است؟ آیا واقعا در استنباط احکام شرعیه میتوانیم به مقاصد شریعت اعتماد کنیم؟ اینها مباحثی است که در این مجال نمیشود به آن پرداخت و آن چیزی که در اینجا مورد نظر ما است صرفا معرفی اجمالی این مقاصد شریعت است برای اینکه این امر واضح شود ناچاریم به بعضی از آراء و نظریه هایی که در این رابطه از بدو امر بوده اشاره کنیم .

پیشینه:

اهل سنت:

عنوان مقاصد شریعت از قرون اولیه اسلام یعنی از قرن سوم در بین بعضی از دانشمندان اهل سنت پدید آمد، اولین بار محمد ابن علی ترمذی که بیشتر از آن که فقیه یا اصولی باشد یک حکیم و فیلسوف بود و به عنوان حکیم هم معروف شده. او این عنوان را در کتاب الصلاة و مقاصدها مطرح کرد. در این کتاب به خصوص در باره علت و حکمت نماز سخن گفته یعنی بحث مقاصد شریعت نیست بلکه بحث مقاصد نماز است و نکاتی را ذکر کرده که عمدهاش مباحث اخلاقی است که هر کدام از اجزاء صلاة چه سری و چه حکمتی در آن نهفته است.

اما اینکه ایشان را به عنوان اولین شخصی که به این جهت توجه کرده معرفی کردهاند جای بحث و تامل دارد اما به هر حال بعد از محمد ابن علی ترمذی این اصطلاح بین علماء عامه مورد توجه قرار گرفت و علماء بزرگی از جمله جوینی و غزالی به نحو عامتری درباره مقاصد سخن گفتند و به نوعی این مسئله وارد فضای علمی علماء امامیه هم شد مثلا در بین امامیه شهید اول، فاضل مقداد و میرزای قمی به مناسبتهایی از مقاصد شریعت سخن گفتند که به بعضی از این سخنان اشاره خواهیم کرد.

جوینی مصالح و مقاصد شریعت را به سه قسم تقسیم کرده: ضروری، حاجتی و تحسینی؛ بعد از او هم بعضی علماء عامه این سخن جوینی را پی گیری کردند و اضافاتی داشتند مثلا غزالی مصالح و مقاصد مورد نظر شارع را بنا بر اهمیت آنها به سه قسم تقسیم کرده: اولین قسم ضروریات است که منظور از ضروریات یعنی امور لازمی که زندگی مردم بدون آنها شکل نمیگیرد مثال میزنند به امر به معروف، قصاص، دیات و جعل ضمان؛ قسم دوم حاجیات است یعنی اموری که به جهت توسعه و رفع ضیق در زندگی مردم لازم است مثال میزنند به اباحه طیبات، مضاربه، مساقات و از این قبیل احکام و تحسینیات هم اموری است که مراعات آنها برای رسید به اخلاق و عادات پسندیده است مثل ازاله نجاسات، جعل طهارات، حرمت اکل حشرات؛ ایشان در ادامه برای هر یک از این موارد یک اموری را به عنوان متمم و مکمل قرار داده و بعد به پنج امر مهم که از مقاصد ضروری شارع است اشاره میکند: حفظ دین، حفظ جان، حفظ مال، حفظ نسل و حفظ عقل و میگوید اینها در رتبه نخست است و بعد برای این پنج امر مثالهایی ذکر کرده.^۱

جهتی که باعث شده اهل سنت به مقاصد شریعت توجه بیشتری کنند شاید نیازی بود که برای تحکیم پایه های بعضی از مصادر تشریح لازم داشتند مسئله قیاس، استحسان، مصالح مرسله، سد ذرایع و فتح ذرایع در واقع از پایه های اصلی استنباط احکام نزد اهل سنت هستند که این امور با پرداختن به بحث مقاصد شریعت تقویت شد.

امامیه:

اما در بین علماء امامیه همانطوری که گفته شد این مسئله در گذشته به نوع دیگری به آن توجه شده، اما هیچ وقت به عنوان یک منبع و مصدر استنباط لحاظ نشده، شهید اول میفرماید: غرض از تشریح حفظ این مقاصد ضروری پنج گانه است و برای هر کدام مثال میزند و میفرماید: حفظ نفس به قصاص و دیه و دفاع است. حفظ دین به جهاد و قتل مرتد؛ حفظ عقل به تحریم مسکرات و جعل حد بر آنها است. حفظ نسب و نسل به تحریم زنا و لواط و نزدیکی با بهائم است و تحریم قذف و جعل حد بر این امور، حفظ مال به تحریم غضب، سرقت، خیانت، قطع طریق و جعل حد و تعزیر بر این امور است.^۱ تقریباً شبیه آنچه که غزالی گفته است.

علت اینکه ما این کلمات را نقل کردیم بیشتر برای این است که با فضای ذهنی کسانی که از مقاصد شریعت سخن گفتهاند آشنا شوید و در مقام بررسی کلمات اینان نیستیم.

در دوران اخیر هم توجه به مقاصد شریعت بیشتر شده هم در بین اهل سنت و همچنین کم کم نشانههایی از این بحث در کلمات علماء شیعه یافت میشود و بعضی از فتواهایی که امروزه داده میشود تکیه بر مقاصد شریعت دارد.

اما آیا این یک خطر و تهدید برای اجتهاد و استنباط است یا یک فرصت؟ مسئلهای مهمی است که باید به آن توجه شود که اگر بدون ملاحظه مسئله مقاصد شریعت مطرح شود ممکن است به انهدام پایه های دین منجر شود.

اما این که میگوییم امروزه توجه بیشتری به مقاصد شریعت میشود از این جهت است که بعضی میگویند مقاصد شریعت منحصر در آن پنج امر ضروری نیست و آیات زیادی وجود دارد که از آن میتوان مقاصدی از شریعت را اصطیاد کرد مثلاً مسئله عدالت یکی از مقاصد شریعت است و میگویند آیه «ان الله یامر بالعدل و الاحسان» به طوری واضحی عدالت را یکی از مقاصد شریعت قرار داده یا حتی مثلاً رعایت روح و روان فرد را یکی از مقاصد شریعت به حساب میآورند یا کرامت انسانی، تقویت معنویت در روح؛ ما ملزم هستیم این مسئله را در فتواها رعایت کنیم؟

مثلاً در مورد شهادت زن و مرد گفته شده که علت اینکه شهادت دو مرد در برابر چهار زن قرار داده شده این بود که زنها قبلاً در اجتماع حاضر نبودند لذا طبیعتاً شاهد خیلی از قضایا نبودند پس باید چهار نفر کنار هم قرار میگرفتند تا به شهادت آن ها اطمینان شود و مسئله شهادت دو مرد یا چهار زن برای حصول اطمینان قاضی است که از آن تعبیر میکنند به قناعت وجدانی یعنی وجدان قاضی قانع شود ولی حالا یک زن تحصیل کرده را مقایسه کنید با یک مرد بی سواد که تشخیص هم نمیتواند بدهد؛ چطور میشود شهادت آن زن را نباید پذیرفت و شهادت آن مرد قبول میشود؟ یا مسئله فرزند خواندگی،

یا به مسئله عدالت توجه میشود ولی هنوز هم به عنوان چهار چوب مورد قبول تلقی نشده و طبیعتاً هم خیلی محل بحث و گفتگو است.

ما در این مقام خواستیم با مقاصد شریعت یک آشنایی اجمالی پیدا شود و فرقی با ملاک حکم، علل الشرایع، علت حکم و حکمت حکم روشن شود؛ چون ممکن است کسی به نظرش آید که بحث مقاصد شریعت همان مصالح و مفاسد احکام در نزد اهل سنت است در حالی که مسئله مقاصد شریعت مربوط به اهداف کلی و کلان است که در تشریح احکام مورد نظر است و مصالح و مفاسد احکام در واقع مربوط به یک حکم خاص است. این نکته در بحث مقاصد شریعت مهم است که مراد که مقاصد از شریعت اهداف کلان است نه مصلحت و مفسده خاص در یک حکم خاص، پس مقاصد شریعت یعنی همان اهداف کلی و کلان شریعت.

بحث جلسه آینده: علل الشرایع